



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۸۴	تاریخ	۱۴۰۱/۰۳/۱
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				
فصل سوم	شرائط وجوب تقصیر				
شرط اول	قطع مسافت				
شرط دوم	قصد مسافت				
شرط سوم	استمرار قصد				
شرط چهارم	سفر، سفر معصیت نباشد				
فروعاً مسأله					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

فرع یازدهم

بحث ما در فرع یازدهم از بحث سفر معصیت است. فرع یازدهم درباره حکم سفری است که برای غایت عمل محرمی انجام می گیرد. حال بعد از تحقق غایت این سفر، تکلیف نماز و روزه چیست؟
آیا این مقطع، سفر معصیت حساب می شود - حالا چه در آن مکان بماند یا برگردد - یا خیر؟ حکم سفر معصیت را ندارد؟

مرحوم صاحب عروه رحمه الله می فرماید:

«إذا قصد مكاناً لغاية محرمة فبعد الوصول إلى المقصد قبل حصول الغرض يترك...»؛

اگر هنوز معصیت اتفاق نیفتاده، سفر، سفر معصیت است، چرا که سفر را برای غایت معصیت انجام می دهد و غایت را که هنوز انجام نداده است پس نماز تمام است.
اگر فعل حرام را انجام داد، این باقی مانده سفرش چه تکلیفی دارد؟
در آنجا گفتیم که عود از سفر معصیت، دیگر سفر معصیت نیست و این رجوع از سفر معصیت است، نه خود سفر معصیت!

بعد می فرماید:

«وَأَمَّا بَعْدُهُ فَحَالَهُ حَالُ الْعُودِ عَنْ سَفَرِ الْمَعْصِيَةِ فِي أَنَّهُ لَوْ تَابَ يَقْصُرُ»؛

یعنی بعد از ارتکاب معصیت، اگر توبه کرد، حکم قصر منوط به توبه است. که ما گفتیم سواء تاب أو لم يتب، بعد از ارتکاب حرام، دیگر سفر معصیت نیست چه توبه کند یا نکند. اما ایشان می فرماید «ولو لم يتب يمكن القول بوجوب التمام لعد المجموع سفراً واحداً»، اگر توبه نکند ممکن است بگوییم نماز تمام است چرا که کل سفر یک سفر واحد محسوب می شود. اینجا باید ببینیم که آیا بین این وجوب تمام و وحدت سفر یعنی بین وحدت سفر و حکم، تلازم وجود دارد که اگر سفر واحد بود پس حکمش هم واحد است، یا خیر تلازمی وجود ندارد؟ که گفتیم تلازمی وجود ندارد. بعد می فرماید: «والأحوط الجمع هنا وإن قلنا بوجوب القصر في العود بدعوى عدم عده مسافراً قبل أن يشرع في العود» اگر در آن بحث سابق که در عود از سفر معصیت بحث کردیم، اگر آنجا هم قائل به قصر شویم، اینجا چون توبه نکرده است احوط، جمع است.

می فرماید: «والأحوط الجمع هنا وإن قلنا بوجوب القصر في العود»؛ مراد از "قصر في العود" یعنی قصد در مسأله سابق که گفتیم من عاد من سفر المعصية يجب عليه القصر أو التمام؟ می فرمایند اگر آنجا هم اگر قائل به وجوب قصر بشویم در اینجا احوط این است هم قصر باید خوانده شود و هم تمام، چرا که عنصر "عدم توبه" پیش آمده است، که در این حالت احتمال صدق سفر معصیت قوی می شود.

تحقیق در مسأله

قبل از این که به بحث درباره فروض مسأله بپردازیم به ذکر چند قاعده در مسأله می پردازیم.

۱. مطلب اول اینکه ما قبلاً گفتیم که تلازمی بین وحدت سفر و بین وحدت حکم نیست، فرض کنید که کسی سفر معصیتی می روند معصیتش هم می کند و بعد توبه می کند، بعد به سفرش ادامه می دهد، حال می پرسیم برای چه باید ادامه سفر، سفر معصیت به حساب آید، و حال که نه غایتش معصیت است و نه خودش سفر معصیت است و دیگر وجهی برای قول به وجوب تمام در باقیمانده سفر بعد از توبه نیست؛ یا عکس آن؛ اصلاً سفر حلالی بوده است، - شاید در این صورت تصور حکم راحت تر باشد - کسی سفر حلالی می رود، وسط راه نیتش برمی گردد و تصمیم می گیرد که کار حرامی مرتکب شود، آن مقدار از سفر که تاکنون پیموده چون مطابق طاعت است پس قصر است، اما کسی نگفته که بخاطر وحدت، باید نماز قصری که خوانده قضا و به نحو تمام بخواند به اعتبار اینکه در ادامه باید نماز را تمام بخواند.
۲. عود از سفر معصیت، لا یردق علیه أنه سفر المعصية؛ بلکه فرق است بین سفر معصیت و عود از سفر معصیت. به تعبیر مرحوم حکیم رحمته الله اینها هم موضوعاً و هم عنواناً متفاوت با «ذهاب الى السفر» است.

این «رجوع»، نه خود «سفر معصیت» است، چرا که این برگشت، عنوان «رجوع از سفر معصیت» را دارد و نه خود «سفر معصیت»؛ و نه خودش سفر معصیت است، چون نه غایتش معصیت است و نه خودش معصیت است. پس موضوع وجوب تمام، سفر معصیت است و بعد از تحقق غایت محرم، و هنگام عود، موضوع منتفی است چرا که آنچه موضوع است سفر معصیت است نه عود از سفر معصیت، و لذا این ایراد به مرحوم صاحب عروه رحمته الله وارد است که ایشان می فرماید اگر توبه کند، احوط جمع بین قصر و تمام است. حال اینکه توبه کردن یا نکردن، هیچ دخلی در تغییر موضوع ندارد. اگر گفتیم که عود از سفر، فی نفسه در حکم سفر معصیت است در این صورت نمازش تمام است، چه توبه کرده باشد یا نکرده باشد. و اگر فی نفسه صدق بر سفر معصیت نمی کند، نماز قصر است، چه توبه کرده باشد یا نکرده باشد، که ما گفتیم بعد از اتمام معصیت، هنگام برگشت از سفر وجهی برای صدق سفر معصیت نمی ماند.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ